

# آینده پژوهی جنگ روسیه-اوکراین و ارزیابی سیاست خارجی ایران بر اساس سناریوهای آن

جواد علی پور<sup>(۱)</sup>  
استادیار روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران  
رامین فرهودی  
کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز  
(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۸/۲۲ - تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۲/۲۰)

## ● چکیده

هر تحولی در نظام بین الملل، سیاست خارجی و رفتار بازیگران مختلف را تحت تأثیر قرار می دهد. حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، یکی از وقایع مهم روابط بین الملل در قرن بیست و یکم بود که خیلی از بازیگران نظام بین المللی را به واکنش واداشت. ارزیابی جهت گیری سیاست خارجی کشورها نسبت به این رویداد، از طریق مطالعه آینده پژوهانه آن امکان پذیر است. از این رو، این مقاله تلاش می کند تا در چهارچوب آینده پژوهی و به روش سناریونویسی به این سؤالها پاسخ دهد که چه سناریوهایی برای جنگ روسیه - اوکراین می توان ترسیم کرد و هر کدام از آن سناریوها چه پیامدهایی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که پنج سناریو (صلح، پیروزی روسیه، پیروزی اوکراین، درگیری ناتو و جنگ هسته ای) برای این جنگ می توان ترسیم کرد که از میان آنها، تنها سناریوی مطلوب برای ایران، پیروزی روسیه است. با این حال، اگر ایران از درگیر شدن در این منازعه اجتناب می کرد و بر اساس منافع ملی خود عمل می کرد، می توانست هم شرایط اقتصادی خود را بهبود بخشد و هم در رقابت جهانی جایگاه خود را در نظام بین الملل تقویت نماید.

**کلیدواژه ها:** آینده پژوهی، ایران، اوکراین، روسیه، سناریونویسی، ناتو

## ● مقدمه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ و استقلال جمهوری های آن با گرایش و علاقمندی کشورهای تازه استقلال یافته به نزدیکی و همگرایی با غرب همراه شد که از همان ابتدا فدراسیون روسیه به رهبری بوریس یتسین را با چالش مواجه کرد و اعتراضات گسترده وفاداران به روسیه بزرگ را برانگیخت که تاکنون به برخوردهای نرم و سخت روسیه در کشورها و جمهوری های خودمختار

۱. نویسنده مسئول alipor@tabrizu.ac.ir

شوروی سابق منجر شده است: درگیری‌های نظامی در چچن (۱۹۹۴-۱۹۹۶)، پشتیبانی از آرامنه در جنگ اول قره باغ (۱۹۹۱-۱۹۹۴)، پشتیبانی مستقیم از جنگ داخلی تاجیکستان (۱۹۹۲-۱۹۹۷)، حمایت از استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی و دخالت نظامی علیه گرجستان (۲۰۰۸)، اشغال و ضمیمه شبه جزیره کریمه (۲۰۱۴) و جنگ دونباس (۲۰۱۴)، مداخله در اعتراضات و ناآرامیهای بلاروس (۲۰۲۰-۲۰۲۱) و قزاقستان (۲۰۲۲) و در نهایت حمله به اوکراین در سال ۲۰۲۲.

در میان جمهوری‌های استقلال یافته از شوروی، جدایی اوکراین پیامدهای زیادی برای فدراسیون روسیه به همراه داشت، زیرا فضای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روسیه را محدود کرد. زیگنیو برژینسکی در این مورد می‌گوید: بدون تسلط بر کشورهای بالتیک و لهستان، روسیه از طریق اوکراین می‌توانست رهبری امپراتوری اوراسیایی و اسلاوهای جنوب و جنوب شرقی شوروی سابق را تحت سیطره داشته باشد؛ اما بدون اوکراین، تلاش مسکو برای بازسازی امپراتوری اوراسیایی غیر ممکن است (برژینسکی، ۱۳۸۵: ۵۰-۴۹). همچنین، به لحاظ موقعیت جغرافیایی، اوکراین در دو قرن گذشته حائل امنیت روسیه بوده است. در ضمن، امروز اوکراین مثل برلین در جنگ سرد به عنوان نقطه اروپایی شرق و غرب به شمار می‌رود. علاوه بر این، از لحاظ تاریخی اوکراینی‌ها در قرون وسطی و پس از آن به عنوان هسته مرکزی اسلاوهای شرقی با اقتدار جبهه مشترک اسلاو شرقی را رهبری می‌کردند (طبری، ۱۳۸۷: ۸۷-۸۶). به دلیل شهرهای پرافتخار روسی مانند سو استوپول و اودسا و کی یف به عنوان مادر شهرهای روسی و بانی فرهنگ و نظام دولتی روسی و مظهر خودآگاهی و اصالت قومی، اوکراین دارای ارزش هویتی برای روسیه است و نفوذ فرهنگ غربی در اوکراین موجب آزار روس‌ها بوده است (زادوخین، ۱۳۸۴: ۲۰۳). این دیدگاه روس‌ها نسبت به اوکراین، از علل شکل‌گیری بحران کنونی و حمله روسیه به این کشور است.

بعد از استقلال، سیاست خارجی کی یف همواره میان غرب و روسیه در نوسان بوده و دولت‌مردان اوکراینی نتوانستند در این خصوص به تعادلی پایدار برسند تا از حساسیت‌های روسیه و کشورهای غربی نسبت به کشور خود بکاهند. در مقابل، مسکو از وابستگی اوکراین به نفت و گاز روسیه به عنوان ابزاری برای اتحاد سیاسی و اقتصادی استفاده می‌کرد. در نهایت، واگرایی میان روس‌ها و اوکراینی‌ها در نوامبر ۲۰۱۳ آغاز شد؛ زمانی که ویکتور یانوکویچ، رئیس‌جمهور وقت اوکراین، از امضای توافقنامه مشارکت با اتحادیه اروپا امتناع کرد که به برخوردهای خشونت‌آمیز و خونین جوانان اوکراینی در آوریل ۲۰۱۴ منجر شد. با برکناری یانوکویچ توسط پارلمان و انتخاب پترو پوروشنکو طرفدار غرب به ریاست جمهوری، دولت غرب‌گرا به قدرت رسید. چنین رفتار سیاسی به حمله روسیه به شبه جزیره کریمه و انضمام آن به خاک روسیه و حمایت از جدایی طلبان در شرق اوکراین ختم شد. در سال ۲۰۱۹، ولودیمیر زلنسکی<sup>(۱)</sup>، کم‌دین برنامه تلویزیونی «خادم ملت» و رئیس حزبی جدید التاسیس با همین نام، رئیس‌جمهور شد و در مدت کوتاهی شرایط اقتصادی را بهبود بخشید و تلاش کرد مسئله شورشیان شرق اوکراین را حل و فصل نماید. در سال ۲۰۱۴، پوتین

1. Volodymyr Zelensky

که با اشغال و ضمیمه شبه جزیره کریمه برخلاف اصول منشور سازمان ملل و حقوق و رژیم‌های بین‌المللی تقریباً با بی‌تفاوتی و سکوت افکار عمومی جهان، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی مواجه شده بود، این بار نیز با چنین تصویری و خیال تسلط بر کل اوکراین یا دست کم چهار استان شرقی جنگ دیگری را شروع کرد، ولی این بار واکنش اوکراین، افکار عمومی جهان، دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی متفاوت بود، تا جایی که اهداف اولیه مسکو از این جنگ پس از دو و نیم سال درگیری و خشونت محقق نشده است.

هر چند برخی از تحلیل‌گران، ریشه اصلی این بحران را تلاش آمریکا برای تبدیل اوکراین به یک سنگر غربی در مرزهای روسیه با ادغام آن به اتحادیه اروپا و الحاق به ناتو و تبدیل این کشور به یک لیبرال دموکراسی طرفدار غرب می‌دانند که پوتین با حمله به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ به آن استراتژی پاسخ داد (Mearsheimer, 2022)، اما چنین دیدگاهی به نوعی همنوایی با بهانه‌های آمریکا برای حمله به افغانستان و عراق با ادعای مبارزه با تروریسم و تولید سلاح‌های کشتار جمعی است. همان‌طور که حمله آمریکا به این دو کشور متضاد حقوق و رژیم‌های بین‌المللی به ویژه اصول منشور سازمان ملل بود، حمله روسیه به اوکراین نیز چنین است. اما آنچه که حایز اهمیت و هدف این مقاله است، آینده این جنگ و تأثیر استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر منافع ملی است، زیرا این جنگ قطب بندی یا گروه بندی بازیگران نظام بین‌المللی و نظم حاصل از آن را در دوران پس از جنگ مشخص خواهد کرد. در شرایط کنونی، دولت‌ها به سوگیری‌های آشکار و پنهان در شکل دهی روابط خود در عرصه بین‌المللی دست می‌زنند که هر روز شاهد موضع‌گیری‌های سران کشورهای مختلف در حمایت یا رد یا مدارا با طرف‌های درگیر در جنگ روسیه - اوکراین هستیم؛ چرا که سوگیری‌های امروز منشأ توسعه یا تحدید روابط آنان با دیگران در آینده نظام جهانی است. ارزیابی دقیق جهت‌گیری کشورها و پیامدهای سیاست‌های آن‌ها نیازمند آینده پژوهی و پیش‌بینی سناریوهای این جنگ است. با این توضیح، این سؤال مطرح می‌شود که چه آینده و سناریوهایی برای جنگ روسیه - اوکراین می‌توان ترسیم کرد و بر اساس آن سناریوها، چه استراتژی با توجه به تبعات و پیامدهای آن، برای سیاست خارجی ایران در قبال این جنگ مناسب‌تر است؟ این مقاله سعی می‌کند در چهارچوب آینده پژوهی و به روش سناریونویسی به این سؤالات پاسخ دهد.

## ● چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این پژوهش واقع‌گرایی است که در این بخش به جای توضیح نظریه واقع‌گرایی، به چرایی انتخاب این نظریه و قابلیت آن برای تحلیل چنین موضوعی پرداخته می‌شود. به دو دلیل، واقع‌گرایی به عنوان چهارچوب نظری این پژوهش انتخاب شده است؛ اولاً برای تحلیل و تبیین مناسبات سیاسی در شرایط منازعه و درگیری در روابط بین‌الملل، واقع‌گرایی نسبت به دیگر نظریه‌ها از قابلیت بیشتری برخوردار است. ثانیاً تحقیقات با رویکرد آینده‌پژوهانه هم می‌تواند اکتشافی باشد، یعنی مبنی بر واقعیت و داده‌های موجود و هم می‌تواند بر اساس بایدها و نبایدها

و ارزش‌های هنجاری باشد. اما از آنجایی در مورد مسائل سیاست جهانی به ویژه موضوعات حاد و بحرانی، هنجاری فکر و عمل کردن نمی‌تواند منافع یک ملت را تأمین نماید، لذا تدوین سناریوها بر اساس واقعیت‌ها و داده‌های علمی ایجاب می‌کند که چنین پژوهشی در چهارچوب نظریه واقع‌گرایی روابط بین‌الملل صورت گیرد.

علاوه بر این، نظریه واقع‌گرایی بر «محدودیت‌های ناشی از خودخواهی انسان (خودمحوری) و فقدان حکومت بین‌المللی (آنارشی)» تأکید می‌کند. از این رو، «عقلانیت و دولت محوری» دو گزاره اصلی این نظریه است (دانلی، ۱۳۹۳: ۵۰). در مورد خودخواهی انسان، واقع‌گرایان بر این استدلال ماکیاوولی اشاره می‌کنند که «همه آدمیان شروند و همواره وقتی فرصت دست دهد، آن شرارتی را که در ذهن‌شان است از خود بروز دهند». پس ملاحظات اخلاقی جای خود را به مصلحت دولت می‌دهد (دانلی، ۱۳۹۳: ۵۱ و ۵۲). این دو گزاره واقع‌گرایی یعنی خودمحوری انسان و آنارشی، به گزاره سوم تحت عنوان معمای زندانی یا معمای امنیت ختم می‌شود که در آن عدم قطعیت حاکم است و به طور مشخص در حیطه آینده‌پژوهی و سناریونویسی قرار می‌گیرد. لذا مطالعه رفتار بازیگران در نظام بین‌الملل در چهارچوب واقع‌گرایی حاکی از وجود عدم قطعیت‌های متنوع است و محقق را به ورود ناخواسته به حوزه سناریونویسی و آینده‌نگاری ترغیب می‌کند.

همچنین، اهمیت دیگر استفاده از نظریه واقع‌گرایی در پژوهش‌هایی با رویکرد آینده‌پژوهانه در این است که واقع‌گرایان به ویژه واقع‌گرایان کلاسیک موازنه قوای سنتی را مطلوب و قابل ستایش قلمداد می‌کنند، چرا که از استیلا و برتری هر قدرت بزرگی پیشگیری کرده و از ارزش‌های بنیادین سیاست بین‌الملل مثل استقلال سیاسی کشورها و صلح و امنیت پشتیبانی می‌کند (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۴: ۱۰۷). این موضوع در «واقع‌گرایی استراتژیک» از اهمیت بیشتری برخوردار است، تا جایی که توماس شیلینگ با تأکید بر تفکر استراتژیک رهبران در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی، بررسی و تحلیل منطقی و استفاده از نظریه بازی‌ها را ابزاری عقلانی در عمل و رفتار قدرت‌های بزرگ و درک رفتارها و اقدامات آن‌ها می‌داند (جکسون و سورنسون، ۱۳۹۴: ۱۰۷-۱۰۸). چنان که در آینده پژوهی نیز بر تفکر استراتژیک در مورد پیشران‌ها و بازیگران دخیل تأکید می‌شود.

در نهایت، دیگر مزیت نظریه واقع‌گرایی در مطالعات آینده‌پژوهی این است که پیش‌بینی‌های واقع‌گرایی از اتقان برخوردار نیستند؛ حتی واقع‌گرایی ساختاری نیز از چنین ماهیتی برخوردار است. به بیان کنت والتس، «پیش‌بینی‌های نو واقع‌گرایی نامتعیین هستند» (دانلی، ۱۳۹۳: ۶۵-۶۶). در عین حال، این نظریه تلاش می‌کند که نیروهای پیش‌برنده را شناسایی نماید تا بتواند در چارچوب قواعد خاصی رفتارها را تحلیل نموده و روندها را تشخیص دهد. بنابراین، ماهیت «نامتعیین» بودن از طرفی و تلاش برای شناسایی نیروهای پیش‌برنده در نظریه واقع‌گرایی از طرفی دیگر موجب می‌شود که نوعی قرابت تئوریکی و روش‌شناختی بین نظریه واقع‌گرایی و آینده‌پژوهی شکل بگیرد. در نتیجه، نظریه واقع‌گرایی، برای مطالعات آینده‌پژوهانه به ویژه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، چارچوبی سودمند قلمداد می‌شود.

## ● روش تحقیق

شناخت آینده به منظور کسب آمادگی برای مدیریت رویدادهای پیش‌بینی ناپذیر و تدبیر در مورد آن‌ها با رویکردی خردمندانه و هوشمندانه ضروری است. به جای تصور «تنها یک آینده» با گمانه‌زنی‌های نظام‌مند و خردورزانه، در آینده‌پژوهی با بهره‌گیری از طیف وسیعی از روش‌ها، نه تنها ترسیم «یک آینده»، بلکه به ترسیم «چند آینده متصور» مبادرت می‌شود. موضوعات آینده‌پژوهی دربرگیرنده گونه‌های «ممکن»، «محتمل»، «دلخواه» برای دگرگونی از حال به آینده هستند (گرامی‌طیبی، ۲۰۱۷). همچنین، آینده‌پژوهی به روش‌های مختلفی انجام می‌شود. در این مقاله با توجه به ماهیت موضوع یعنی جنگ در اوکراین، از سناریونویسی استفاده می‌شود.

با روش سناریونویسی رهبران و مدیران با نگاه به رویدادهای غیرمنتظره در آینده و درک عمیق پیامدهای احتمالی آنها، چندین داستان یا روایت متمایز درباره آینده‌های ممکن را کشف و تعریف می‌کنند. این سناریوها ابزاری برای نظم بخشیدن به بینش‌ها و استنباط‌ها هستند. مقصود از تعریف سناریوها انتخاب فقط یک آینده مرجح و آرزوی به حقیقت پیوستن آن یا پیدا کردن محتمل‌ترین آینده و سعی در تطبیق با آن نیست، بلکه هدف اصلی، برنامه‌ریزی بر پایه سناریو و اتخاذ تصمیم‌های استراتژیک است که برای همه آینده‌های ممکن به اندازه کافی خردمندانه و پابرجا باشند. اگر هنگام تدوین سناریوها تفکر جدی صورت بگیرد، آنگاه اصلاً مهم نیست که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد، زیرا تصمیم‌گیرنده در مقابل هر اتفاقی آماده است و می‌تواند بر مسیر اتفاقات آینده تأثیرگذار باشد (لشکر بلوکی، ۱۳۹۲). روش‌های آینده‌پژوهی بر اساس اهداف به دو دسته هنجاری و اکتشافی تقسیم می‌شوند. مبنای روش‌های هنجاری، ارزش‌ها و هنجارها هستند و از آینده‌های مطلوب برای تصمیم‌گیری در زمان حال سؤال می‌کنند، در حالی که روش‌های اکتشافی به دنبال این هستند که بر مبنای گذشته و حال چه چیزی امکان وقوع دارد (مردوخی، ۱۳۹۱: ۳۴-۶). لذا در روش اکتشافی عمدتاً بر داده‌های واقعی تأکید می‌شود و به عبارتی دیگر واقع‌گرایی محور روش اکتشافی در آینده‌پژوهی است. از این رو، در این پژوهش از روش اکتشافی استفاده شده است تا با تمرکز بر منافع و استراتژی بازیگران و پیشران‌های مهم، سناریوهای دقیق‌تری در مورد جنگ روسیه و اوکراین تدوین شود و بر این اساس رویکرد سیاست خارجی ایران مورد ارزیابی قرار گیرد. در سناریونویسی شناسایی بازیگران اصلی و پیشران‌ها اهمیت بالایی دارند، در این بین، پیشران‌ها مستقل از مسئله و موضوع، اما در روند پدیده مؤثر هستند. به بیان دیگر، پیشران‌ها به صورت غیرمستقیم بر حوزه‌های دیگر تأثیر می‌گذارند. در روش سناریونویسی، شناسایی مهمترین بازیگران و مؤلفه‌ها و شناسایی پیشران‌های مهم یکی از گام‌های اساسی رسیدن به سناریوهاست (Schwartz, 1996). مهمترین بازیگران و پیشران‌های کلیدی جنگ روسیه - اوکراین در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## ● مهمترین بازیگران جنگ روسیه و اوکراین

غرب به رهبری امریکا: از آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین، امریکا و متحدانش به ویژه اتحادیه اروپا و کشورهای گروه هفت برای یک واکنش جمعی قوی، کمک‌های قابل توجه انسانی، نظامی و مالی به کی‌یف ارائه کرده‌اند. در این راستا، این کشورها تحریم‌های گسترده‌ای به منظور قطع یا کاهش انتقال تکنولوژی و درآمدهای صادراتی روسیه به عنوان منابع تقویت‌کننده ماشین جنگی روسیه وضع کرده‌اند. همچنین در افکار عمومی جهان و کشورهای خود از یک طرف و مجامع بین‌المللی به ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد از طرف دیگر، فعالیت‌هایی برای تخریب چهره و پرستیژ روسیه و روحیه ارتش آن از طریق جنگ رسانه‌ای و روانی انجام دادند. علاوه بر این، از زمان شروع حمله روسیه، کمک‌های مالی و تسلیحاتی گسترده‌ای به اوکراین ارائه کرده‌اند. از شروع حمله روسیه تا اکتبر ۲۰۲۴، امریکا بیش از ۶۵ میلیارد دلار (U. S. Department of State, 2024) و اتحادیه اروپا بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار به اشکال مختلف به کی‌یف کمک کرده‌است (Delegation of the EU to the USA, 2024). این کمک‌های امریکا و اروپا به دلایل مختلفی صورت می‌گیرد که مهمترین آن به هم خوردن نظم موجود بین‌المللی و «نظم لیبرال»<sup>(۱)</sup> است. اگر پوتین در این جنگ پیروز شود هم در داخل و هم در خارج غیر قابل کنترل خواهد شد و بعید نیست که در مرحله بعدی مولداوی، گرجستان و کشورهای بالتیک را نیز به خاک روسیه ضمیمه کند و مجدداً تهدید سرخ سراسر اروپا و جهان لیبرال دموکراسی را در برگیرد. بنابراین، جهان غرب به رهبری امریکا تمام تلاش خود را برای شکست و خروج روسیه از اوکراین به کار خواهد گرفت. بازگشت مجدد ترامپ به کاخ سفید می‌تواند روندهای موجود در خصوص این منازعه را تسریع نماید.

همچنین، نخبگان اروپایی بر این باورند که علاوه بر مسائل امنیتی، حمایت غرب از اوکراین دارای مزیت‌ها و هزینه‌های اخلاقی و ژئوپلیتیکی است (Deen, 2024). به همین منظور، اوکراین در سیاست‌گذاری عمومی در سطح فراملی، حتی قبل از تصمیم رهبران اتحادیه اروپا در دسامبر ۲۰۲۳، جایگاه خاصی دارد و اوکراین در گسترش اتحادیه اروپا اهمیت زیادی دارد. از سوی دیگر، پیشبرد سیاست‌های امنیتی و دفاعی اتحادیه اروپا با پشتیبانی از اوکراین پیوند مستحکمی دارد (Zolkina, 2024). بنابراین، اوکراین از لحاظ امنیتی، ژئوپلیتیکی و سیاسی برای اتحادیه اروپا اهمیت زیادی دارد و به هیچ وجه نمی‌خواهد این کشور همچون قرون گذشته به محل یکه‌تازی روس‌ها و ماجراجویی‌های پوتین تبدیل شود.

چین: پکن جنگ در اوکراین را یک درگیری اروپایی می‌داند که باعث زوال قدرت‌های اروپایی، ایالات متحده و روسیه می‌شود، لذا هر چند در ظاهر این جنگ به تضعیف یکی از متحدانش منجر می‌شود، اما نه تنها موجب افول قدرت‌های بزرگ رقیب می‌شود، بلکه دستور کار سیاسی جهانی را به نفع چین تغییر می‌دهد و ایالات متحده هم دیگر نمی‌تواند از چرخش به شرق صحبت کند و تمرکزش را به چین معطوف کند (Nye: 2022). علاوه بر این، چین نسبت به این بحران بیشتر نگاه

۱. فرانسیس فوکویاما، حمله روسیه به اوکراین را «جنگ پوتین علیه نظم لیبرال» نامید (Fukuyama, 2022).

اقتصادی دارد؛ از تحریم‌های غرب علیه روسیه حمایت نمی‌کند و برای حفظ روابط اقتصادی خود با غرب تلاش کرده و از آشفتگی بازار انرژی جهان احتیاجات خود را با کمترین قیمت تهیه می‌کند. همچنین، بیانیه ۲۴ فوریه ۲۰۲۳ وزارت خارجه چین در ارتباط با جنگ اوکراین، نشان می‌دهد که چین بر موضع بی‌طرفانه و خیرخواهانه تأکید می‌کند (Ministry of Foreign Affairs of PRC, 2023). تا از این طریق قدرت نرم و وجهه جهانی خود را با ارائه یک طرح صلح ارتقا دهد. با این حال، چین موازنه دهنده این منازعه است، تا زمانی که چین مراودات اقتصادی خود را با روسیه قطع نکرده، روسیه به لحاظ منابع مالی برای ادامه جنگ مشکل چندانی نخواهد داشت. از سوی دیگر اگر چین به روسیه کمک تسلیحاتی نکند، در آن صورت روسیه در میدان‌های نبرد تقویت خواهد شد، هر چند غرب در برابر عدم تمکین چین از تحریم‌های ضدروسی سکوت اختیار کرده‌است، اما در صورت حمایت نظامی چین از روسیه، یک دو قطبی علنی در نظام بین‌الملل به وجود خواهد آمد. علاوه بر این، سازمان همکاری شانگهای در این زمینه عامل پیوند دهنده سیاست‌های چین و روسیه است و واگرایی میان پکن و مسکو بر سر اوکراین می‌تواند ضربه مهلکی بر این سازمان و آینده آن وارد کند. ترکیه: ترکیه همسایه دریایی اوکراین و روسیه در دریای سیاه از گذشته روابط دوستانه و نزدیکی با آن‌ها در حوزه‌های سیاسی-دیپلماتیک، تجاری-اقتصادی و دفاعی-امنیتی داشته است. ترکیه جنگ روسیه در اوکراین را محکوم کرده است. ارسال گاز روسیه به ترکیه، سفر توریست‌های روسی به ترکیه و خرید غلات از روسیه، نشان از وابستگی آنکارا به مسکو دارد. به همین دلیل است که اردوغان سعی می‌کند روابط دوستانه خود را با روسیه قطع نکند و در تحریم‌های بین‌المللی غرب علیه روسیه تاکنون همراهی نکرده است. ترکیه به عنوان عضو ناتو با میانجی‌گری تلاش می‌کند هم وزن سیاسی-دیپلماتیک خود را در نظام بین‌المللی افزایش داده و هم نقش استراتژیک خود را در منطقه اثبات کند. همچنین، ترکیه از چند نظر نقش مهمی در این معمای استراتژیک بازی می‌کند؛ تسلط بر دریای سیاه به ویژه تنگه‌های داردانل و بسفر برای انتقال غلات روسیه و اوکراین و حتی تسلیحات نظامی، عضویت اعضای جدید به ویژه اوکراین در ناتو و ارائه تسلیحات به ویژه پهباد به اوکراین.

## ● پیش‌ان‌های عمده جنگ روسیه و اوکراین

**مذهب:** کلیسا در تقابل روسیه با اوکراین از سال ۲۰۰۹ نقش آفرینی می‌کند؛ روس‌ها از زمان اتحاد مقدس از مذهب به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی بهره جستند و در حال حاضر برای توجیه خط‌مشی و حفظ برتری به مذهب متوسل شده‌اند. کلیسای ارتدکس روسیه از ایدئولوژی «جهان روسی»<sup>(۱)</sup> پوتین، پروژه فرهنگی، تاریخی و مذهبی مشهور به نوروسیا<sup>(۲)</sup> و روایت‌های کرملین حمایت معنوی می‌کند. این تنش‌های مذهبی بین کلیسای ارتدکس مسکو و

1. Russian World  
2. Novorossiya

اوکراین باعث ایجاد سردرگمی شده است، زیرا دیدگاه‌های رقابتی و رادیکال، فضای بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی را تشدید می‌کند. در این راستا، کلیسا از جنگ روسیه در اوکراین حمایت می‌کند و کلیسای ارتدوکس به نماد ناسیونالیسم برای هر دو طرف تبدیل شده است (Mulford, 2016: 89). هر چند در سطح اروپا جایگاه دین مسیحیت در میان همه مردم کم‌رنگ‌تر شده است، اما در شرایط بحرانی مذهب به خدمت سیاست می‌رود و طرفین سعی می‌کنند از این اهرم برای پیشبرد برنامه‌های خود بهره بگیرند. تا زمانی که مردم روسیه و اوکراین به توجیه مذهبی جنگ باور داشته باشند، مذهب در این تحولات نقش بارزی ایفا خواهد کرد.

**رسانه‌ها و اتاق‌های فکر:** در کنار نبرد در میدان‌های رزم، جنگ رسانه‌ای و روایت‌ها نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که رسانه‌ها به افکار عمومی شکل می‌دهند و موجب فشار افکار عمومی بر تصمیم‌گیرندگان می‌شوند و از سوی دیگر وجهه بین‌المللی کشوری را تضعیف می‌کنند. در این راستا، روسیه تلاش کرده تا توسط رسانه‌ها به جنایات جنگی متهم نشود. در طرف مقابل، رسانه‌های اوکراینی و طرفدار آن تلاش کرده‌اند، روسیه را به عنوان بازنده اخلاقی و قانونی این جنگ بازنمایی کنند. همچنین، اتاق‌های فکر تلاش می‌کنند تا با تحلیل‌های تخصصی، توجه قانونگذاران و افکار عمومی را به وضعیت وخیم اوکراین جلب کنند و خواستار حمایت بیشتر غرب هستند (Mulford, 2016). جنگ در اوکراین، این واقعیت را برجسته کرده است که در عصر جدید درگیری، بازیگران غیردولتی بیش از هر زمان دیگری نقش بازی می‌کنند. نفوذ رسانه‌ها، اتاق‌های فکر و دانشگاه‌ها، گروه‌های مذهبی، شبه‌نظامیان جنگی، سازمان‌های غیردولتی و مهاجران اوکراینی فراگیر شده است. پوشش رسانه‌ای تحت کنترل کرملین از جنگ در شرق اوکراین توسط رسانه‌های مردمی طرفدار اوکراین مانند «اوکراین امروز» خنثی می‌شود. اندیشکده‌ها و دانشگاه‌ها نیز در ارائه تحلیل‌ها از جنگ و بازنمایی وقایع جنگ به منظور دستکاری اذهان عمومی نقش بارزی ایفا می‌کنند.

**رویای احیای امپراطوری روسی و تقویت اتحاد داخلی:** پوتین در سخنرانی خود در مورد آغاز جنگ علیه اوکراین، پس از اشاره به مناقشه طولانی مدت بر سر ناتو و شکل معماری امنیت در اروپا پس از جنگ سرد، بر وحدت عمیق میان اسلاوهای شرقی - روس‌ها، اوکراینی‌ها و بلاروسی‌ها که همگی منشأ خود را در کشور مشترک المنافع قرون وسطایی «کی‌یف روس»<sup>(۱)</sup> جستجو می‌کنند - تأکید و پیشنهاد کرد که دولت‌های مدرن روسیه، اوکراین و بلاروس باید امروز و در آینده سرنوشت سیاسی مشابه داشته باشند. به عبارتی، او هویت‌های متمایز اوکراینی و بلاروسی را محصول دستکاری خارجی می‌داند و امروزه غرب راه رقبای امپراتوری روسیه را در استفاده از اوکراین (و بلاروس) به عنوان بخشی از یک «پروژه ضد روسی» دنبال می‌کند. «پوتین با تفکر تاریخی» الهام گرفته از «وحدت ارگانیک امپراتوری روسیه و مردم آن» و به قول تیموئی اسنایدر<sup>(۲)</sup> «سیاست ابدیت»<sup>(۳)</sup> اعتقاد به یک «جوهره تاریخی تغییرناپذیر» نشان می‌دهد که جاه‌طلبی‌های مسکو فراتر از جلوگیری از عضویت

1. Kyivan (Kievan) Rus
2. Timothy Snyder
3. Politics of Eternity



اوکراین در ناتو است و شامل آرزوی کامل تر برای تسلط سیاسی، نظامی و اقتصادی بر اوکراین است (Mankoff, 2022). از این رو، کرملین به طور فزاینده‌ای موضع خصمانه‌تری در قبال غرب اتخاذ کرده، تفسیر خاصی از نقش تاریخی روسیه و موقعیت جهانی آن ارائه کرده و تأکید فزاینده‌ای بر ارزش‌های فوق محافظه‌کارانه دارد و نوع جدیدی از «وطن‌پرستی» را در روسیه ترویج می‌کند. در این راستا از این ایدئولوژی به عنوان ابزاری برای تقویت مشروعیت داخلی و گسترش اتحاد و حمایت داخلی بهره می‌گیرد (Komin, 2024). این پدیده همه پیشنهادات صلح و ایده‌های میانجی‌گرانه با ماهیت سیاسی و دیپلماتیک را در مورد پایان دادن به این بحران با شکست مواجه می‌سازد.

امنیت غذایی: نقش روسیه و اوکراین در تأمین بخش عمده‌ای از غلات به ویژه گندم مورد نیاز بازار جهانی باعث شده است تا متحدان هر دو کشور در این جنگ جانب احتیاط را در پیش گرفته و برای فرار از مشکلات ناشی از کمبود مواد غذایی سیاست‌های دوگانه‌ای در پیش گرفته‌اند. تورم احتمالی ناشی از این جنگ و کمبود گندم و دانه‌های روغنی موجب تهدید امنیت غذایی جهان شده است. هر چند جنگ خلیج در فعالیتهای کشاورزان روسیه ایجاد نکرده است، اما جنگ در اوکراین و عملیات مین‌گذاری هر دو طرف برای جلوگیری از پیشروی نیروها موجب شده است که خاک حاصلخیز اوکراین برای کشاورزی مناسب نباشد. قبل از حمله همه جانبه روسیه به اوکراین، این کشور نصف صادرات روغن آفتابگردان را در اختیار داشت و غذای چهارصد میلیون نفر از مردم جهان را تولید می‌کرد (Dunias et al, 2024).

## ● سناریوهای جنگ روسیه-اوکراین

با توجه به این بازیگران و پیشران‌ها، می‌توان پنج سناریو برای بحران اوکراین تدوین کرد. سناریوی اول و محتمل، پذیرش صلح از طرف روسیه و اوکراین است. سناریو دوم، بهترین سناریوی محتمل برای جمهوری اسلامی ایران، پیروزی روسیه است. سناریوی سوم، محتمل‌ترین حالت نامطلوب برای جمهوری اسلامی ایران، پیروزی اوکراین با آزادسازی مناطق اشغال شده است. سناریوی چهارم و پنجم، بدترین حالت‌های ممکن در این جنگ است که به ترتیب گسترش دامنه جنگ و ورود ناتو به درگیری و شروع یک جنگ هسته‌ای میان روسیه و ایالات متحده آمریکا و متحدانش است.

سناریوی اول؛ پذیرش صلح از سوی مسکو و کی‌یف: با توجه به شرایط میدان‌های جنگ در دو سال گذشته، برقراری توازن نسبی در جبهه‌ها و حمایت‌های گسترده مالی و تسلیحاتی غرب از اوکراین بعید به نظر می‌رسد که هر یک از طرفین بتوانند به یک پیروزی نظامی قاطع دست یابند. اگر معیار واقعی موفقیت در جنگ، بهبود امنیت ملی و رفاه پس از جنگ باشد، شاید بهتر است این‌ها از طریق دیپلماسی و مذاکره توسط قهرمانان ضد جنگ و طرفدار صلح به سیاست وارد شوند و از سوی دیگر انتظارات مبالغه‌آمیز و دستاوردهای هژمونیک در هر دو طرف، بدون توجه به تأثیر آن بر سایر کشورها و نظم جهانی از واقعیت به دور است (Hooda, 2022). به دلیل طرز فکر رهبران کرملین، روسیه به تلاش برای تسلط بر اوکراین تا زمانی ادامه خواهد داد که اوکراین به طور کامل

بتواند تهاجم روسیه را دفع کند. در این صورت یک روند صلح واقعی وجود خواهد داشت؛ فرآیندی که می‌تواند از جنگ بیشتر جلوگیری کند و به دنبال ایجاد یک سیستم امنیتی در اروپا باشد که حاکمیت و امنیت را برای همه تضمین کند (Glantz, 2023). اگر سناریوی صلح با برتری نسبی روسیه حاصل شود در آن صورت احتمال دارد که یکی از شروط آن عدم پیوستن اوکراین به اتحادیه‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای از جمله اتحادیه اروپا و ناتو باشد، به عبارتی بهتر، روسیه و قدرت‌های دیگر اوکراین را به عنوان یک کشور بی‌طرف شناسایی کنند و مرزهای آن توسط همه قدرت‌ها مورد احترام قرار گرفته و تضمین شود. اما اگر صلح با برتری اوکراین حاصل شود و نیروهای روسی از خاک اوکراین عقب رانده شوند، در آن صورت به احتمال زیاد در یک بازه زمانی کوتاه مدت، به قول هنری کیسینجر، اوکراین به ناتو ملحق می‌شود، زیرا بی‌طرفی گزینه‌ی کی‌یف نخواهد بود (Kissinger and Roberts, 2022). این سناریو، محتمل‌ترین سناریو است و نه تنها برای غرب، بلکه برای بازیگرانی چون چین، ترکیه و عربستان و حتی سازمان ملل متحد مطلوب تلقی می‌شود.

**سناریوی دوم؛ پیروزی روسیه با الحاق دونباس:** با توجه به سلطه روسیه از قبل بر مناطق شرقی اوکراین و اشغال بخش‌های زیادی پس از آغاز حمله، در ادامه جنگ احتمالاً کی‌یف نتواند از پس هزینه‌های جنگ برآید و در نتیجه روسیه با تسلط بر منطقه دونباس اهداف حمله را محقق شده تلقی کند و به نوعی به یک آتش‌بس بدون توافق برسند. بر اساس رویکرد واقع‌بینانه، چنین پیروزی می‌تواند مرحمی بر زخم‌های روانی پوتین و توجیه‌کننده چنین جنگی برای افکار عمومی و مصرف داخلی کاخ کرملین باشد، هر چند شاید هدف جنگ تسلط بر کل اوکراین بود. با توجه به جهت‌گیری جمهوری اسلامی ایران در قبال این جنگ، این سناریو مطلوب‌ترین گزینه برای ایران و دیگر مخالفان نظم کنونی بین‌المللی است.

**سناریوی سوم؛ پیروزی اوکراین:** جنگ روسیه و اوکراین به دلایل مختلفی می‌تواند فرسایشی شده و به یکی از طولانی‌ترین منازعات تاریخ معاصر تبدیل شود و طرفین درگیری یعنی روسیه و حامیان اوکراین و در رأس آن‌ها ایالات متحده آمریکا، به دلیل واهمه از پیامدهای تلخ پایان منازعه، آن را به صورت فرسایشی و در سطحی محدودتر ادامه دهند تا اینکه شرایط پیروزی برای اوکراین مهیا شود. واشنگتن و متحدانش متعهد به شکست قاطع روسیه در اوکراین و تضعیف قدرت روسیه هستند. ایالات متحده به‌طور جدی علاقه‌ای به یافتن راه‌حل دیپلماتیک برای جنگ ندارد، به این معنی که جنگ احتمالاً برای سال‌ها به طول بینجامد. در این روند، اوکراین، که قبلاً به شدت آسیب دیده است، آسیب بیشتری را تجربه خواهد کرد. در اصل، ایالات متحده اوکراین را به راه «تسلیم و رضا»<sup>(۱)</sup> هدایت می‌کند (Mearsheimer, 2022) و غرب روسیه را در باتلاق اوکراین به دام انداخته و تا از پای افتادن روسیه آن را ادامه خواهد داد (قربان اوغلی، ۱۴۰۱). علاوه بر این، ارتش اوکراین با کمک گسترده غرب، در مقابله با نیروهای روسیه نمایش خوبی نشان داده است و بخشی از مناطق اشغال شده را آزاد کرده است. بر اساس یک تخمین، روسیه بیش از ۳۰ درصد از

اثر بخشی نبرد زمینی خود را از دست داده است و ۱۷۰۰ تانک روسی و ۴۰۰۰ خودروی زرهی جنگی منهدم شده است. ایالات متحده و ناتو نیز به طور فعال اوکراین را برای ادامه جنگ تشویق می‌کنند و این روایت را پیش می‌برند که اوکراین در نهایت پیروز خواهد شد. هدف ایالات متحده به وضوح استفاده از این درگیری برای تنزل دائمی قدرت روسیه و تضعیف شخص پوتین است (Hooda, 2022). از منظر واقع‌گرایی، محتمل‌ترین پیروزی برای اوکراین «برد کوچک» است که می‌تواند روسیه را از سمت غربی رود دنیپر عقب براند، در اطراف مناطق تحت کنترل روسیه در شرق و جنوب اوکراین محدوده‌های دفاعی ایجاد کند و دسترسی این کشور به دریای سیاه را تضمین کند. با گذشت زمان، نیروهای اوکراینی می‌توانند به جلو حرکت کنند و پل زمینی را بشکنند که روسیه به کریمه ایجاد کرده است. البته سناریوی «برد بزرگ» با احتمال کم نیز وجود دارد که در آن جنگ بر اساس شرایط دلخواه اوکراین پایان یابد؛ یعنی احیای کامل حاکمیت بر کریمه و بخش‌هایی از دونباس که توسط روسیه در سال‌های قبل از تهاجم روسیه در فوریه ۲۰۲۲ اشغال شده بود (Fix and Kimmage, 2022). شایان ذکر است که خوش‌بینی نسبت به فرجام این جنگ به مردم اوکراین سرایت کرده است؛ نتایج یک نظرسنجی در مارس ۲۰۲۴ نشان می‌دهد که ۴۱٪ مردم اوکراین در پاسخ به این سؤال که احساس کلی شما از جنگ در حال حاضر چیست؟ بر این باورند که اوکراین برنده جنگ می‌شود، در حالی که فقط ۵٪ معتقدند که روسیه برنده جنگ می‌شود. همچنین ۴۴٪ مردم اوکراین می‌گویند که هیچ‌یک از طرفین برنده نمی‌شود. علاوه بر این، این نظرسنجی نشان می‌دهد که بیش از ۷۰٪ مردم این کشور به طور کامل یا تا حدی مطمئن هستند که در نهایت کی‌یف تمام سرزمین‌های اشغال شده را آزاد خواهد کرد (Sociological Group Rating, 2024). البته برخی از تحلیل‌گران استدلال می‌کنند که پیروزی اوکراین با حل پنج مشکل استراتژیک آغاز می‌شود: (۱) ادغام اوکراین در نظم امنیتی فراتلانتیکی و اقتصاد اروپایی؛ (۲) تقلیل توانایی روسیه برای دسترسی به سرمایه و دور زدن تحریم‌ها؛ (۳) مبارزه با تاب‌آوری اطلاعات نادرست روسیه؛ (۴) بازنگری در مورد قابلیت دموکراسی و (۵) حفظ اقتصاد اوکراین و تقویت دموکراسی آن (Jensen and Hoffman, 2024). محور این توصیه‌های استراتژیکی این است که اوکراین به نظم امنیتی ناتو و نظم اقتصادی اتحادیه اروپا ملحق شود و به سمت دموکراتیک شدن و پیوستن به دنیای دموکراتیک غرب حرکت کند. هر چند کارآمدی تحریم‌ها علیه روسیه نیز عاملی خیلی مهم تلقی می‌شود، چرا که استفاده گسترده از تحریم‌ها به عنوان سلاح‌سازی از وابستگی متقابل، هم می‌تواند در شکل دادن به آینده جهانی شدن نقش مهمی ایفا نماید (Giunelli, 2024) و هم قابلیت روسیه را در میدان‌های نبرد کاهش دهد.

**سناریوی چهارم؛ گسترش دامنه جنگ و ورود ناتو:** با توجه به حمایت‌های قابل توجه اعضای ناتو به ویژه آمریکا، آلمان و بریتانیا و کشورهای بالتیک از اوکراین، ممکن است دامنه جنگ فراتر از درگیری این دو کشور گسترش یابد و به رویارویی همه جانبه ناتو و روسیه منجر شود که در آن صورت عملاً جنگ جهانی سوم روی خواهد داد.

**سناریوی پنجم؛ شروع یک جنگ هسته‌ای میان روسیه و ایالات متحده و متحدانش:** با توجه به

تهدیدات متعدد مقام‌های روسی مبنی بر استفاده از قدرت هسته‌ای و اخیراً تلاش مسکو برای استقرار سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی در بلاروس ممکن است این درگیری به اولین جنگ هسته‌ای منجر شود. سناریوهای چهارم و پنجم جزء سناریوهای ممکن، ولی نامطلوب برای ایران و بشریت خواهد بود.

## ● ارزیابی رویکرد سیاست خارجی ج.ا.ایران

جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کرد تا جانب احتیاط و بی‌طرفی را در برخورد با جنگ روسیه و اوکراین حفظ کند، اما مواضع مسئولان ایرانی از رویکرد حمایتی پنهان آنان از روسیه در جنگ با اوکراین به عنوان نیروی نیابتی ناتو و غرب حکایت دارد. رفتارها، اظهارات و سیاست‌های ایران پس از شروع جنگ، این ذهنیت را در افکار عمومی و محافل سیاسی ایجاد کرد که ایران از روسیه جانبداری می‌کند. البته شاید این نیز از بد شانسی‌های دولت تازه تأسیس رئیسی بود که درست در زمانی که رویکرد نگاه به شرق را به عنوان استراتژی سیاست خارجی معرفی کرد، این جنگ آغاز شد. از بررسی مواضع مقامات دولت رئیسی نمی‌توان اثبات کرد که آن‌ها حتی این جنگ را تقبیح می‌کنند. رئیس‌جمهور رئیسی در کمتر از دو هفته بعد از حمله روسیه به اوکراین، دو بار تلفنی با همتای روس خود گفتگو کرد. اخباری که از محتوای این مکاتبات در باره این درگیری منتشر شد، تنها این جمله است که او «بر اصل حراست از منافع ملت‌های منطقه در این بحران تاکید کرد» (ایرنا، ۱۴۰۰). از این اظهارات مبهم مشخص نیست که منظور او کدام ملت‌های منطقه است. همچنین، حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه دولت سیزدهم، در توییتی نوشت که «بحران اوکراین ریشه در اقدامات تحریک‌آمیز ناتو دارد. ما توسل به جنگ را راه حل نمی‌دانیم. برقراری آتش‌بس و تمرکز بر راه‌حل سیاسی و دموکراتیک یک ضرورت است» (ایرنا، ۱۴۰۰). به عنوان وزیر امور خارجه، مشخص نیست که از نظر او بر فرض درست بودن اقدامات تحریک‌آمیز، بر اساس کدام اصل حقوق بین‌الملل، او روسیه را دارای صلاحیت حمله به اوکراین می‌داند. ضمن این که او از اقدامات مداخله‌جویانه و خلاف منشور سازمان ملل و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل روسیه در حمله به شبه جزیره کریمه، آبخازیا و اوستیای جنوبی چشم‌پوشی می‌کند. علاوه بر این، علی بهادری جهرمی، سخنگوی وقت دولت، در واکنش به حمله روسیه گفت که «دغدغه‌های امنیتی درباره روند فزاینده و تحریک‌آمیز گسترش ناتو به شرق برای همه کشورهای مستقل و مخالف سلطه آمریکا قابل درک است. پایبندی به حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه و تکیه بر گفتگو و دیپلماسی برای توقف درگیری‌ها ضروری است» (ایرنا، ۱۴۰۰). هم‌نوا با وی، سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وقت وزارت خارجه، گفت که «ج.ا.ایران طرفین را به توقف درگیری‌ها و آتش‌بس برای مذاکره فوری به منظور حل و فصل سیاسی بحران دعوت کرده و ضرورت رعایت حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه در درگیری‌های نظامی را مجدداً یادآوری می‌کند (ایرنا، ۱۴۰۱). معلوم نیست چرا آن‌ها طرفین را به توقف درگیری دعوت می‌کنند، به جای اینکه از اشغال‌گر بخواهند که جنگ را متوقف کند. در نتیجه، از آنجایی که در این اظهارات شواهدی مبنی بر تقبیح این حمله وجود ندارد، این گونه برداشت می‌شود که ایران موضع بی‌طرفانه ندارد.

همه این گمانه زنی‌ها به بیانات رهبر انقلاب اسلامی ایران در دیدار با رئیس‌جمهور روسیه در تیر ۱۴۰۰ ختم شد. رهبر انقلاب در این دیدار در خصوص حوادث اوکراین گفت که «جنگ یک مقوله خشن و سخت است و جمهوری اسلامی از اینکه مردم عادی دچار آن شوند به هیچ وجه خرسند نمی‌شود، اما در قضیه اوکراین چنانچه شما ابتکار عمل را به دست نمی‌گرفتید، طرف مقابل با ابتکار خود، موجب وقوع جنگ می‌شد. غربی‌ها با روسیه قوی و مستقل به کلی مخالف هستند، ناتو موجودی خطرناک است و اگر راه در مقابل ناتو باز باشد حد و مرزی نمی‌شناسد و اگر جلوی آن در اوکراین گرفته نمی‌شد، مدتی بعد به بهانه کریمه، همین جنگ را به راه می‌انداختند» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱). این اظهارات موجی از تحلیل‌ها و نظرات را برانگیخت. پایگاه خبری و تحلیلی انصاف نیوز، یورونیوز فارسی، مشرق نیوز، دویچه وله، بی.بی.سی. فارسی، صدای آمریکا، العربیه، الجزیره و رویترز این سخنان را حمایت از حمله پوتین به اوکراین تلقی کردند.

با تداوم جنگ موضوع دیگری توسط غرب مطرح شد که ایران را به حمایت از روسیه متهم کرد؛ ادعای استفاده روسیه از پهبادهای ایران برای حمله به اوکراین به ویژه زیرساخت‌های این کشور به یک مناقشه سیاسی تبدیل شد. این مسئله نه تنها موجب حملات لفظی به ایران شد، بلکه موجب اعمال تحریم‌ها علیه برخی نهادهای ایرانی شد. به عنوان مثال، وزارت بازرگانی آمریکا هفت سازمان ایرانی را به همین بهانه در لیست سیاه خود قرار داد (اسپوتنیک، ۲۰۲۳). برخی از تحلیل‌گران ایرانی نیز معتقدند که ایران به این جمع‌بندی رسیده که روسیه برنده نهایی است و جنگ اوکراین تغییرات وسیعی را در مناسبات بین‌المللی در پی خواهد داشت و پایه‌های نظم نوین جهان را بی‌ریزی خواهد کرد. تحول در مواضع ایران و خروج از ریل بی‌طرفی و فرارگرفتن در کنار روسیه بر مبنای چنین تحلیلی است (قربان‌اوغلی، ۱۴۰۱).

بنابراین، همه این عوامل و جهت‌گیری‌ها موجب شد که عملاً ایران به عنوان یکی از حامیان روسیه در حمله به اوکراین تلقی گردد. حال این سؤال مطرح می‌شود که محقق شدن هر یک از سناریوهای مذکور، چه پیامدهایی برای ایران خواهند داشت؟ در سیاست، برداشت دیگران و درک آن‌ها از رفتار یک بازیگر مهمتر از ادعاهای خود آن بازیگران است، لذا آنچه برای دیگر بازیگران به ویژه قدرت‌های غربی اهمیت دارد، برداشت آنهاست و نه استدلال‌ها و رفتارهای ایران. در صورتی که سناریوی اول (صلح)، سناریوی سوم (پیروزی اوکراین) و سناریوی چهارم (ورود ناتو به جنگ) به وقوع بپیوندد، ایران متضرر خواهد شد. به این دلیل که پس از چنین شرایطی اروپا و غرب تمام تلاش‌های خود را برای تنبیه ایران به کار خواهند گرفت و دو مسئله اساسی به صدر سیاست‌های غرب در قبال ایران منتقل خواهد شد؛ فعالیت‌های هسته‌ای ج.ا.ایران و حقوق بشر به ویژه آنچه که در وقایع سال ۱۴۰۱ پیش آمد. علاوه بر این، ایران با توجه به شرایط پیش آمده می‌توانست، از اهرم انرژی استفاده کند و به نوعی در پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها نیز از غرب امتیاز بگیرد و مشکلات اقتصادی خود را سروسامان دهد. در صورت تحقق سناریوی دوم (پیروزی روسیه)، تازه تقابل اساسی این کشور با غرب شروع خواهد شد و به نوعی بلوک‌بندی جدیدی در نظام بین‌الملل شکل خواهد

گرفت و ایران به ناچار در بلوک روسیه قرار می‌گیرد که این مسئله نیز با توجه به شرایط داخلی و منطقه‌ای، خیلی با منافع ملی ایران سازگار نخواهد بود. در نهایت، در صورت وقوع سناریوی پنجم (جنگ هسته‌ای)، آینده دنیا چندان قابل تصور نخواهد بود.

## ● نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل واقع‌گرایانه و آینده‌پژوهانه، دنیای بعد از جنگ روسیه و اوکراین، دنیایی تک قطبی نخواهد بود و دولت‌های درگیر این منازعه هر یک نقشی تعیین‌کننده در مناسبات آینده جهان خواهند داشت. فرانسه ابتکار مذاکرات اروپایی را در دست گرفته و تلاش دارد تا بدون مشارکت نظامی در این جنگ نقش خود را ایفا کند. آلمان تلاش دارد تا تنها به مشارکت مالی به نفع اوکراین ادامه دهد، اما با فشار آمریکا مجبور به ارسال تانک‌های لئوپارد به جبهه اوکراین شد. لهستان در آستانه درگیری‌ها قرار دارد و بلاروس سنگر دفاعی روسیه علیه اروپا شده است. ترکیه نیز سیاست یکی به میخ یکی به نعل را پیش می‌برد و برای حفظ منافع اقتصادی خود تلاش می‌کند. چین به عنوان متحد ایدئولوژیک روسیه تاکنون سیاست متعادل در پیش گرفته است. اما ایران خواسته یا ناخواسته به عنوان حامی روسیه در این جنگ محسوب شده است. لذا در صورت وقوع اکثر سناریوها، ایران متضرر خواهد شد، در حالی که ایران می‌توانست بدون توجه به این سناریوها و نتیجه این جنگ، بیشترین بهره را از این شرایط پیش آمده یعنی تقابل غرب و روسیه ببرد. با توجه به درگیری غرب به ویژه اروپا با روسیه و نیاز بازار جهانی انرژی به نفت، ج. ا. ایران می‌توانست به راحتی با احیای برجام و رفع تحریم‌ها و گران‌تر شدن قیمت انرژی‌های فسیلی، زمینه را برای تقویت شرایط اقتصادی کشور و سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه‌هایی چون نفت و گاز، پتروشیمی، معادن و خودرو فراهم کند و از همسایگان خود در برداشت از میادین نفت و گاز مشترک عقب نماند. ای بسا در صورت اتخاذ چنین رویکردی و گشایش‌های اقتصادی در کشور اتفاقات نیمه دوم سال ۱۴۰۱ رخ نمی‌داد یا اینکه دامنه آن بسیار محدود می‌شد و به وجهه و مشروعیت نظام سیاسی خدشه وارد نمی‌شد. تاریخ (به ویژه دو جنگ جهانی) نیز اثبات کرده است که در اختلافات میان اروپاییان و قدرت‌های بزرگ، اتحاد با هیچکدام از آن‌ها برای منافع ملی ایران سودمند نبوده است.

## ● منابع:

۱. اسپوتنیک (۲۰۲۳). «وزارت بازرگانی آمریکا هفت سازمان ایرانی را به دلیل آنچه «کمک به نیروهای مسلح و مجتمعه‌های نظامی - صنعتی روسیه» نامیده است، در لیست سیاه خود قرار داد»، کد خبر: ۱۴۴۴۵۸۹۵.
۲. ایرنا (۱۴۰۱). «تقویت منافع ملی؛ موضع ایران در خصوص جنگ اوکراین و روسیه»، قابل دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/۸۴۶۶۲۷۰۶> (مشاهده در ۱۴۰۲/۱/۱۰).
۳. آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱). «دیدار رهبر انقلاب با رئیس‌جمهور روسیه»، سایت دفتر حفظ و نشر آثار، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/print-content?id=50657> (مشاهده در ۱۴۰۲/۱/۱۰).
۴. برژینسکی، زبیکنیو (۱۳۸۵). پس از سقوط: بازی نهایی در جهان تک قطبی، ترجمه امیرحسین توکلی، تهران، انتشارات سبزان.
۵. جکسون، رابرت و سورنسون، گئورگ (۱۳۹۴) درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی زاده و حسن سعید کلاهی، تهران: نشر میزان.
۶. خزایی، سعید (۱۳۹۲). آینده پژوهی، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی - مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

۷. دانلی، جک (۱۳۹۳)، واقع‌گرایی، در نظریه روابط بین‌الملل، اسکات برچیل و همکاران، ترجمه حمیرا مشیرزاده و روح اله طالبی آرانی، تهران: نشر میزان.
۸. زادوخین، آ. گ (۱۳۸۴). سیاست خارجی روسیه، خودآگاهی و منافع ملی، ترجمه مهدی سنایی، تهران: ابرار معاصر.
۹. طبری، امید (۱۳۸۷). عوامل هویتی و تحولات سیاست خارجی فدراسیون روسیه در قبال غرب بعد از پایان جنگ سرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه اصفهان.
۱۰. قربان اوغلی، جاوید (۱۴۰۱). «ایران و جنگ در اوکراین»، شرق دیلی، کد خبر: ۸۵۲۲۶۷
۱۱. گرامی طیبی، محسن (۲۰۱۷). «آینده پژوهی و انواع آینده»، پایگاه اینترنتی آینده پژوهی.
۱۲. لشکر بلوکی، مجتبی (۱۳۹۲). فنون و فرامین تفکر استراتژیک، تهران: انتشارات نص.
۱۳. مردوخ، بایزید (۱۳۹۱). روش‌شناسی آینده‌نگاری. تهران: نشر نی.
14. Deen, B. (2024), "Freedom isn't Free: A cost-benefit analysis of support for Ukraine", The Clingendael Institute.
15. Delegation of the EU to the USA (2024), "EU Assistance to Ukraine", Available at: [https://www.eeas.europa.eu/delegations/united-states-america/eu-assistance-ukraine-us-dollars\\_en?s=253](https://www.eeas.europa.eu/delegations/united-states-america/eu-assistance-ukraine-us-dollars_en?s=253) (Accessed 12 Oct. 2024).
16. Dunias, N., et al (2024), "From Economic Recovery to Global Food Security: The Urgent Need to Demine Ukraine", Tony Blair Institute for Global Change.
17. Fix, L. and Kimmage, M. (2022). "What If Ukraine Wins?", Foreign Affairs, Jun.
18. Fukuyama, F. (2022). "Putin's war on the liberal order", available at: <https://www.ft.com/content/d0331b51-5d0e-4132-9f97-c3f41c7d75b3> (Accessed 28 Mar 2023).
19. Giumelli, F. (2024), "How Targeted Measures Are Changing the Global Economy: Three Scenarios for the Future", Istituto Affari Internazionali.
20. Glantz, M. (2023). "Ukraine: A Real Peace Will Require Change from Russia", United States Institute of Peace.
21. Heijden, K. (2005). Scenarios: The Art of Strategic Conversation, 2nd Edition, Chichester: John Wiley & Sons Ltd.
22. Hooda, D. (2022). "Lessons from Ukraine: The Drivers and Determinants of Conflict", DPG Policy Brief, Vol. VII, Issue 32.
23. Jensen, B. and Hoffman, E. (2024), "Victory in Ukraine Starts with Addressing Five Strategic Problems", Center for Strategic and International Studies.
24. Kissinger, H. and Roberts, A. (2022). "There are three possible outcomes to this war", Henry Kissinger interview, The Spectator.
25. Komin, M. (2024), "Late-stage Putinism: The war in Ukraine and Russia's shifting ideology", European Council on Foreign Relations.
26. Mankoff, J. (2022). "Russia's War in Ukraine: Identity, History, and Conflict", CSIC.
27. Mearsheimer, J. (2022), "The Causes and Consequences of the Ukraine War", National Interest.
28. Ministry of Foreign Affairs of PRC (2023) "China's Position on the Political Settlement of the Ukraine Crisis", available at: [https://www.fmprc.gov.cn/mfa\\_eng/zxxx\\_662805/202302/t20230224\\_11030713.html](https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/zxxx_662805/202302/t20230224_11030713.html) (Accessed 28 Mar 2023).
29. Mulford, J. (2016). "Non-State Actors in the Russo-Ukrainian War", Connections QJ, 15 (2), pp. 89-107.
30. Nye, J. (2022). "Why China Won't Mediate an End to the Ukraine War", Project Syndicate.
31. Schwartz, P. (1996), The Art of the Long View. New York: Doubleday
32. Sociological Group Rating (2024), "Social Expectations Regarding the End of War: First Wave", Mar 7-10, Supported by the Carnegie Endowment for International Peace.
33. U. S. Department of State (2024), "U. S. Security Cooperation with Ukraine", available at: <https://www.state.gov/u-s-security-cooperation-with-ukraine/#:~:text=To%20date%2C%20we%20have%20provided,invasion%20of%20Ukraine%20in%202014> (Accessed 12 Oct. 2024).
34. Zolkina, M. (2024), "Ukraine's Accession Negotiations: Political Impact on EU Assistance to Ukraine", Democratic Initiatives Foundation.